

ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان (با تاکید بر نظریه سازه انگاری)

دکتر بهروز رئیسی^۱

چکیده

عناصر هویتی و فرهنگی در جهان معاصر، از مولفه های اصلی شکل دهنده به مناسبات کنشگران سیاست بین الملل است. نقش این عوامل در مواردی حتی عوامل مادی و منفعت نگر را در روابط بین الملل تحت تاثیر خود قرار داده و آنها را کمرنگ می سازد. ایران و تاجیکستان به عنوان دو ملت پیوسته به هم که منشاء هویتی واحدی دارند نمونه بارزی از تاثیر غالب عوامل هویتی و فرهنگی در مناسبات میان کنشگران سیاسی هستند. مبنا قراردادن نظریه های فرائیبات گرای روابط بین الملل بویژه سازه انگاری در خصوص مناسبات ایران و تاجیکستان به خوبی تاییدکننده مفروضات اساسی این نظریه ها خواهد بود. عوامل و متغیرهای هویتی و فرهنگی بخش غالب روابط ایران و تاجیکستان را شکل داده و بر عوامل مادی فائق آمده اند. بویژه که از منظر نظریه های فرائیبات گرا روابط بین الملل، منافع کشورها صرفا ناظر بر منافع مادی و ابزاری نبوده و در تعاریف نوین، منافع هویتی و هستی شناختی بعضا اولویت و ارزش بیشتری برای کنشگران سیاسی یافته است. البته در خصوص میزان غلبه این نگرش در مناسبات ایران و تاجیکستان در دوره های مختلف نوسان هایی نیز مشاهده می شود.

واژه های کلیدی

هویت، سازه انگاری، فرهنگ، روابط فرهنگی، ایران، تاجیکستان، حوزه تمدنی

^۱ پژوهشگر علوم سیاسی و مدرس دانشگاه

مقدمه

مناسبات ایران و تاجیکستان نسبت به روابط ایران با سایر کشورهای آسیای مرکزی دارای ویژگی های خاص و منحصر بفردی است که تحلیل و تبیین آن در قالب یک نگاه تئوریک محدود و مضیق نمی گنجد. ایران و تاجیکستان به عنوان دو کشور مستقل و دارای منافع ملی متفاوت، تعاریف خاصی از خود و هویت خود دارند که علاوه بر ابعاد داخلی، روابط و ارتباطات آنها با جهان خارج را تحت تاثیر قرار می دهد. مناسبات ایران و تاجیکستان صرف نظر از ابعاد عمل گرایانه و منافع محور در روابط میان دولتها، از عوامل دیگری در قالب عوامل غیرمادی، و به طور خلاصه فرهنگی و تمدنی متاثر است که در تحلیل و تبیین مناسبات دو کشور از اهمیت یکسان و چه بسا بالاتری در مقایسه با عوامل اول برخوردارند. از سوی دیگر حتی از منظر منفع-نگری در تحلیل مناسبات میان کشورها، تعریف از منافع کشورها در ادبیات نوین روابط بین الملل بسیار گسترده می باشد که قطعاً با تعابیر و تفاسیر گذشته متفاوت میباشد. از این منظر در نظریه های فرا اثبات گرای روابط بین الملل، تعریف از کنشگران روابط بین الملل و منافع آنها تا حد زیادی متاثر از هویت آنهاست که نقش عوامل و متغیرهای غیرمادی و فرهنگی را در درجه اولویت بیشتری نسبت به منافع مادی در نظریه های اثبات گرا قرار می دهد. مناسبات ایران و تاجیکستان می تواند نمونه مناسبی از کاربردی این نظریه ها و بویژه سازه انگاری در تحلیل و تبیین سیاست خارجی کشورها قلمداد گردد.

با سقوط شوروی نظریه مدرنیسم در تمام سطوح فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن مورد تردید قرار گرفت و تفکر پست مدرن مطرح شد. در حوزه روابط بین الملل نیز شاهد نوعی پست مدرنیسم هستیم که می کوشد فراتر از دیدگاه های سنتی در تحلیل روابط کشورها عمل کند و آموزه های سنتی مثل آرمانگرایی و واقع گرایی و حتی نو واقع گرایی کنت والتز را کنار بزند و با دیدگاه هایی جدید به تحلیل روابط کشورها بپردازد. سقوط شوروی باعث روی آوردن نظریه پردازان به مباحث جدیدی شد که به دلیل فضای دو قطبی و ایدئولوژی جنگ سرد و حاکمیت دولت محوری در عصر جنگ

سرد امکان عرضه نیافته بودند. به همین دلیل در مقطع پس از جنگ سرد با نظریه پردازانی چون پست مدرن ها، فرااثبات گرایان و نظریه پردازان سازه انگاری مواجه هستیم. عمده ترین نقدی که همه این نظریات به نظریه های سنتی می گرفتند عدم توانایی درک و تبیین و تحلیل دلایل فروپاشی ایدئولوژی شوروی و ناتوانی در پیش بینی محو محیط جغرافیای تحت سیطره کمونیزم بود.

در این راستا یکی از مهم ترین نظریاتی که تحلیل روابط بین الملل در شرایط نوین را مطرح کرد سازه انگاری بود که الکساندر ونت مطرح ترین نظریه پرداز آن است. سازه انگاری با طرح موضوع فرهنگ و ذهنیت ها در روابط و سیاست خارجی کشورها و تاکید بر عامل ساختاری فرهنگ و به دلیل استفاده مناسب از نقاط ضعف نظریه سنتی رئالیسم و واقع گرایی توانسته در بسیاری موارد پاسخگوی بسیاری از پرسش ها باشد.

مقاله حاضر با طرح سوالی در مورد عوامل غالب تاثیرگذار بر مناسبات ایران و تاجیکستان و اهمیت و مقایسه عوامل مادی و غیرمادی دخیل در این مناسبات، تلاش می کند تبیین عمیق تر و جامع تر از روابط دو کشور ارائه نماید. در این راستا و به عنوان منظر تئوریک مد نظر جهت برآورده ساختن هدف نوشتار حاضر، نظریه سازه انگاری و مفروضات اساسی آن بویژه از منظر عوامل غیرمادی و هویتی در نقطه توجه و تامل خواهد بود. بنابراین ابتدا نگاهی به نظریه سازه انگاری و مفروضات اساسی آن خواهیم انداخت و در ادامه با کمک گرفتن از این نظریه و توجه به دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری نوین در سیاست بین الملل، عوامل هویتی تاثیرگذار در روابط دو کشور ایران و تاجیکستان در کنار دیگر عوامل سیاسی، امنیتی، و اقتصادی مورد بحث و مذاقه قرار خواهد گرفت. نویسنده تلاش خواهد کرد که نشان دهد چگونه عنصر هویت و فرهنگ راهنمای سیاست خارجی ایران و تاجیکستان است و چگونه به روابط سیاسی - دیپلماتیک و اقتصادی دو کشور شکل و جهت می بخشد.

مروری بر نظریه سازه انگاری

هنگامی که جهانیان با بهت و حیرت شاهد فروپاشی امپراطوری قدرتمند اتحاد جماهیر شوروی بودند، اردوگاه سرمایه داری با افتخار خود را برنده جنگ سرد و پیروز تقابل با ایدئولوژی مارکسیسم اعلام کرد. اما در میان این شور شعف در جهان غرب، شک و تردید در تئوری های سیاسی و روابط بین الملل که نتوانسته بودند این فروپاشی عظیم ایدئولوژیکی و متلاشی شدن جغرافیای پهناور سرزمینی این کشور را در حد اندک هم پیش بینی کنند در اذهان اندیشمندان سیاسی نقش بست.

تئوری های سیاسی که تاکید بر منافع مادی قدرت در سیاست داشتند نمی توانستند شرایط ایجاد شده را تحلیل کنند. تحلیلگران سیاسی و دانشمندان روابط بین الملل جهت برون رفت از ناتوانی فکری نظرات پوزیتیویستی و فرد گرایی، توجه خود را به سمت ابزارهای غیر مادی قدرت، بازیگران غیر دولتی، فرهنگ، زبان، ارزشها و هنجارهای اجتماعی متمرکز کردند و در این راستا بررسی نقطه نظرات دانشمندان علوم اجتماعی و جامعه شناسی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. مجموعه این تلاش ها علاقه مندی به ترویج و توسعه نظریه سازی انگاری در روابط بین الملل را بیشتر کرد.

در میان نظریه پردازان سازه انگاری نقش الکساندر ونت برجسته تر می باشد و دیدگاه های وی بهتر توانست تبیین کننده این نظریه باشد. " الکساندر ونت در تئوری اجتماعی سیاست بین الملل بیان می کند که تعامل میان بازیگران بستگی به ساختار دانش سیستم بین الملل دارد. او دانش را با عنوان فرهنگ و معانی مشترک تعریف می کند و معتقد است که تاثیر و هستی فرهنگ جدا از عقاید اشخاص نمی تواند باشد و در عین حال به آنها نیز محدود نمی شود بلکه بستگی به چگونگی مفهوم سازی دیگران دارد."

(آندرو لینک لیتل - 1386: 210).

"از نظرون، مادی گرایان بنیادی ترین واقعیتها در مورد جامعه را سرشت و سازماندهی نیروهای مادی میدانند. در حالیکه معنا گرایان بنیادی ترین اصل را سرشت و ساختار آگاهی اجتماعی میدانند که به معنای توزیع انگارها و شناختست، همچنین بر

اساس دید گاه وی این ساختار شناختی مشترک هستند که به عنوان بستر منابع مادی عمل میکنند و به آنها معنای لازم را برای کنش انسانی میدهند (مشیرزاده ۱۳۸۶: ۳۲۶)

همه کشورها در روابط خود با دیگر کشورها به دنبال منافع ملی هستند. در این محوریت اولین موضوعی که به ذهن خطور میکند کسب ابزارهای مادی قدرت میباشد. این تفکر سالها بر روابط بین الملل حاکمیت داشته است و جنگ سرد نمونه عینی تلاش برای کسب قدرت بیشتر و اهمیت به ابزارهای مادی میباشد. در حالیکه نظریه سازه انگاری تاکید دارد که قدرت همواره مادی نمیشود.

" در تئوری سازه انگاری هویت ها و هنجارها، و فرهنگ مردم نقش مهمی در سیاست جهانی ایفا می کند. منافع دولت ها توسط هنجارها و تعاملات فرهنگی ایجاد می شود. سازه انگاری به این می پردازد که چگونه هویت ها و هنجارهای اجتماعی مردم می تواند با روابط نهادینه در میان آنها گسترش یابد." (هادیان - ۱۳۸۲: ۱۵)

"به نظر سازه انگاران نباید سیاست بین الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی در چهار چوب صرفا مادی در سطوح بین الملل تقلیل داد زیرا تعاملات دولت ها صرفا بر اساس منافع ملی تثبیت شده شکل نگرفته است بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت ها و ارزشهای اجتماعی سامان دهی می شود. در نگاه و نیت فرضیه منحصر به فرد واقع گرایی درباره منافع ملی این است که " منافع در واقع دارای بنیاد های مادی هستند که از ساختار های عینی الهام می گیرند نه موضوعات اجتماعی. بر اساس نظریه واقع گرایی، قدرت و منابع سیاست هر دو مادی هستند در حالی که نظریه سازی انگاری در صدد نشان دهد که منافع صرفا مادی نیستند بلکه بسیاری از منافع جنبه ذهنی دارند" (Guzzini, Stefano - 2006: 172)

تاکید سازه انگاران به رعایت و اهمیت هنجارها نشان دهنده این است که رفتارهای مشترک می تواند هویت ساز باشد و منشا و منبع هویت های اجتماعی تلقی گردند. در واقع دولت ها با اولویت بندی هنجارها و ارزشهای اجتماعی به دنبال انسجام ملی و تلقی مشترک در جامعه میباشند.

ونت معتقد است که توجه و لحاظ کردن فرهنگ داخلی، همچنین هنجار های تاثیر گذار اجتماعی، به دیپلماسی و جاهت و مشروعیت میبخشد. در واقع اگر دولت بر آمده از اراده و خواست مردم باشد تبلوری از فرهنگ و ارزشهای مورد اعتنا و احترام آن مردم است. لذا برای تشریح و تحلیل سیاست خارجی یک کشور اولین وظیفه بررسی اولویت های فرهنگی و ارزشهای مورد قبول مردمان آن دیار در سطوح داخلی و بین المللی می باشد.

محوری ترین نظریه سازه انگاری از نظر ونت پرهیز از آرمان گرایی و واقع گرایی می باشد. او معتقد است که موضوعات مادی گرایانه در روابط بین الملل نباید مورد توجه محوری در روابط بین ملل باشد. و تاکید دارد مباحثی همچون فرهنگ، آگاهی های بشری، هنجار ها و ارزشها می تواند راه گشای دیپلماسی در صحنه سیاست خارجی کشور قرار گیرد.

"ویژگی دیگر سازه انگاران تاکید بر مباحث هستی شناسی و معرفت شناسی است. آنها بر ابعاد مادی و غیر مادی حیات اجتماعی تاکید دارند. جان راگی مهمترین خصوصیت و تمایز سازه انگاری را در قلمرو هستی شناسی می داند. او معتقد است که سیاست بین الملل بر اساس هستی شناسی در سازه انگاری، رابطه ای است که به هنجار ها و انگاره ها بها می دهد. کانون توجه سازه انگاری به آگاهی بشری و نقشی است که این آگاهی در روابط بین الملل ایفا می کند. از دید او واقعیت های بین المللی، هم فکری هستند و هم مادی (MARTINE:1998:716)

به نظر می رسد سازه انگاران با بینش ملموس تری رفتار های سیاسی دولت ها را تحلیل و توجیه می کنند. اشاره آنها به درک و برداشت های مشترک که منطبق بر هویت و باور های غیر مادی یک ملت باشد دیدگاه های متفاوتی نسبت به دیگر تئوری های روابط بین الملل ارائه می دهد. " لذا دولت همچنان مهمترین واحد در تبیین منازعات و همکاری های بین المللی به شمار می رود. به عبارتی در این رویکرد دولت ها کارگزاران عمده ای هستند که با تعاملات موثر خویش با جامعه جهانی می توانند جهان متفاوتی را تشکیل دهند. همچنین علی رغم اهمیت نقش کارگزاری دولت در صحنه

سیاست آنها تنها کارگزاران جامعه جهانی نمی باشند". (فلاحی - ۱۳۸۰:۱۸۲)

این نظریه اعتقاد دارد آمریکا برای موفقیت در عصر پس از جنگ سرد باید از توانایی اقتصادی و قدرت نرم در قالب تجارت آزاد و بازار آزاد سود برد. در این راستا به ویژه ایده حکومت محدود و دموکراتیک، گسترش حقوق بشر و ایجاد نظم ارزشی غرب گرا مورد توجه می باشد. سازه‌انگاران تاکید جدی به جهان غرب به ویژه امریکا دارند که چنانچه بتوانند با استفاده از شبکه های عظیم خبری و ماهواره و دیگر وسائل ارتباط جمعی کشورهای دیگر را تحت سیطره فرهنگی قرار دهند و با آنها اشتراکاتی در دنیای هنر، موسیقی، شعر و اسطوره ها و افسانه ها داشته باشند عملا به اهداف استیلا طلبی خود رسیده اند. لذا در صورتیکه بتوان ملتها را با ارزشها و هنجارهای مشترک به هم نزدیک کرد علی رغم وجود اختلافات اشتراکات بسیار وسیع تر است.

دیپلماسی فرهنگی

بدون شک تاثیرات و عملکرد فرهنگ در تعاملات سیاسی و روابط بین الملل در سالهای اخیر بسیار برجسته بوده است. استفاده از واژه هایی همچون قدرت فرهنگی به عنوان ابزار نرم در به کار گیری قدرت بسیار متداول تر از گذشته می باشد. امروزه هر کشوری که دارای ظرفیت ها و قابلیت های قوی فرهنگی در حوزه روابط بین الملل باشد جایگاه رفیع تر و مورد توجهی در سیاست خارجی کشورها دارد. "پیش فرض اساسی نظریه های فرهنگی آن است که رفتار و کنش های انسان در زندگی فعال و پویای اجتماعی در بر قراری رابطه با دیگران متأثر از الگوهای روابط اجتماعی و گرایش فرهنگی است. این نظریه ها به دنبال شناخت زمینه ها، فرایند شکل گیری و بروز الگوهای رفتاری، ارزشها، اعتقادات و ترجیحات در زندگی اجتماعی هستند. بنابر این معتقدند که

از این طریق می توان رفتار سیاسی انسان را شناخت". (Thompson - 1990: 5)

اهمیت روز افزون مسائل فرهنگی آن دسته از سیاستمداران را که علاقه و علقه ای در لحاظ کردن ارزشهای فرهنگی در تصمیم های خود را ندارند را مجبور به اذعان و اعتراف به اهمیت آن کرده است. امروزه دستگاه دیپلماسی کشورها موضوعات فرهنگی

را در سیاست خارجی راه گشای بسیاری از بن بست های سیاسی می دانند .
 " رابطه میان متغیر ها و انگاره های فرهنگی و سیاست خارجی را می توان از سه طریق مورد مطالعه قرار داد . نخست شامل اعتقادات و اسطوره هایی می باشد که به تجربه تاریخی مردم یک کشور و رهبرانش و نگرشی که آنها نسبت به نقش و جایگاه جاری کشور خود در عرصه جهانی دارند ارتباط پیدا می کند . دومین رابطه معطوف به تصاویر و برداشتهایی است که نخبگان علمی و سیاسی و حتی عامه مرد نسبت به سایر ملت ها، کشور و سایر بازیگران عرصه سیاست خارجی مانند نهاد های بین المللی در ذهن خود دارند و سومین مورد فرهنگی عادات و طرز تلقی نسبت به حل مشکلات به طور اعم و برخورد با اختلافات و منازعات بین المللی به طور اخص می پردازند ". (قوام ۱۳۸۴: ۴۶)

در قالب نظریه سازه انگاری و انگاره های کلیدی آن، نقش ابزارهای نوین و غیرمادی قدرت و سیاست برجسته می گردد که از جمله آنها دیپلماسی فرهنگی است. دیپلماسی فرهنگی تلاش دارد رفتار سیاست خارجی کشورها را محصول شرایط اجتماعی داخل آنها ببیند و معتقدند که در جامعه بین الملل با توجه به هنجارها و ارزش های مشترک جهانی می توان به زمینه های فراوانی از تفاهم بین کشورها دست یافت .

سیاستمداران تلاش می کنند که با ابزارهای فرهنگی و شیوه های گوناگون دیپلماسی فرهنگی از منافع ملی خود در کنار روش ها و ابزارهای مادی همچون زور و تهدید دفاع کنند . تقویت همکاری های منطقه ای و همگرایی در حوزه جغرافیایی منطبق با فرهنگ مشترک از جمله فعالیت های برجسته دستگاه دیپلماسی هر کشوری می باشد. فرهنگ مشترک بین اقوام و کشور های مختلف می تواند موضوعات سیاسی فی مابین این کشورها را به عنوان یک درک متقابل مد نظر قرار داد . فضای اعتمادی که در دیپلماسی فرهنگی در روابط دو کشور ایجاد می شود بسیار استوارتر از روابط اقتصادی و سیاسی بوده و چه بسا زمینه ساز بسیاری از معاهدات و موافقت نامه های سیاسی و اقتصادی و امنیتی باشد .

دیپلماسی فرهنگی تلاشی است در جهت ارائه نمودن فرهنگ و ارزشهای یک کشور

به مردمان دیگر در جهت تقویت ارتباطات خصوصی که نتایج آن فهم آسان تر و جذاب تر از ایده های سیاسی کشور نیز می باشد. " پنج عنصر در مطالعه ارتباطات میان فرهنگی لازم دانسته شده است. دین، زبان، تاریخ، حکومت و خانواده که بنیان اجرائی دیپلماسی فرهنگی را تشکیل می دهد. دین نظام معنایی زبان را تشکیل می دهد و زبان تاریخ را به وجود می آورد و تاریخ حکومت را به وجود می آورد و خانواده حکومت را شکل می دهد " . (فیاض - ۱۳۸۶: ۲۰۶)

قدرت و اهمیت دیپلماسی فرهنگی را باید با تاثیر و اثر گذاری آن در روابط سیاسی و دیپلماتیک ارزیابی کرد. هر جا که دامنه این تاثیرات عمیق و ماندگار گردد قطعا به سطح زیرین و زیر بنای مستحکمی تبدیل می شود که می توان از این سیمای فرهنگی برای روابط با دولت ها، سازمان های بین المللی و نیز مناسبات غیر دولتی استفاده کرد.

اهمیت آسیای میانه در دیپلماسی فرهنگی ایران

آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که از سال ۱۹۹۱ میلادی و به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، از جایگاهی روزافزون در مناسبات منطقه ای و بین المللی برخوردار گشته است و اکنون به عنوان یکی از مهمترین زیر سیستم های منطقه ای کشورمان به شمار می رود. این منطقه برای ایران هم واجد تهدیدات امنیتی می باشد و هم واجد فرصت هایی می باشد. از سوی دیگر این منطقه با دارا بودن زمینه های مشترک تاریخی، فرهنگی و زبانی، در اتصال فرهنگی با کشورمان بوده و حوزه تمدنی ایران را تشکیل می دهد.

تجزیه اتحاد جماهیر شوروی، استقلال ناخواستهای را برای جمهوریهای آسیای مرکزی به ارمغان آورد. رهبرانی که سالها به عنوان اعضای حزب کمونیست در نظام کمونیستی شوروی فعالیت داشتند به رهبری دولتهای ملی جدید رسیدند. همه آنها غیر از عسگر آقایف، رییس جمهور قرقیزستان در دوران اتحاد جماهیر شوروی، از رهبران حزب کمونیست بودند. با جدا شدن از نظام اقتصادی وابسته به شوروی، از همان نخستین سالهای استقلال، کشورهای آسیای مرکزی در پی آزادسازی سیاسی-اقتصادی

بودند. وضعیت جغرافیایی و طبیعی شرایط چندان مساعدی را برای این کشورها ایجاد نمی کرد. از لحاظ ژئوپلیتیک کشورهای این منطقه را میتوان کشورهای محصور در خشکی^۱ نامید که امکان دگرگون ساختن الگوهای تجاری را برای آنها دشوار ساخته است. (کولایی، ۱۳۸۴: ۵-۶). با توجه به تلاش بنیاد گرایان برای بسط و توسعه اندیشه اسلام رادیکال که همراه به خشونت و ترور و مداخله در مسائل داخلی کشورها میباشد امکان حضور و تحریک مردم به گرایش به سازمانهای همچون القاعده و طالبان در کشورهای آسیای میانه دور از انتظار نمیشد. و این موضوعی است حساسیت مشترک بین روسیه و ایران و آمریکا ایجاد کرده است. روسها به لحاظ داشتن اقلیت روس تبار در کشورهای آسیای میانه و آمریکا به دلیل نگران از توسعه طالبان و القاعده و رادیکالیسم اسلام گرایانه و ایران نیز به هیچ وجه موافق با حاکمیت رادیکالی اسلام گرایان در این منطقه نمیشد.

با شرایط جدید، ایران شاهد استقلال کشورهای بود که روزی در کنار آنان به عنوان یک ملت مشترک می زیست و با آنان اشتراکات عمیق فرهنگی و تاریخی دارد. لازمه ی ایجاد روابط سیاسی مستحکم با این کشورها که روزی در دایره ی تمدن و تاریخ ایران بوده اند فعالیت دستگاه دیپلماسی کشور برای توسعه ی روز افزون ارتباط با کشورهای این منطقه با محور دیپلماسی فرهنگی می باشد.

"اشتراکات فرهنگی و تاریخی ایران با کشورهای منطقه آسیای مرکزی به گذشته ایی باز می گردد که کشورهای آن منطقه با ایران دارای سرنوشت مشترکی بوده اند. قلمرو جغرافیایی واحد در گذشته سبب گردیده بود که این کشورها رویکرد اقتباسی به فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی داشته باشند به گونه ایی که امروزه بسیاری از آداب و رسوم و سنتی که برخی از آنها حتی در ایران که پدید آورنده آن سنتها بوده فراموش شده است در آسیای مرکزی پابرجا مانده است. مشاهیر مشترکی که هم ایرانیان و هم تاجیکها، ترکمنها، قزاق ها و ازبک ها به داشتن آنان مفتخرند گونه دیگری از اشتراکات

است." (ابراهیمی ترکمان - ۱۳۸۵ - ۴۱)

هم مرز بودن ایران با کشورهای منطقه قفقازونز دیک بودن به کشورهای آسیای میانه فرصتی مناسب در اختیار ایران فرار داده است تا بتواند ضمن حضور فعال در بازار این کشورها هم بر قدرت صادراتی خود بیفزاید و هم حضور سیاسی فرهنگی خود را با توجه به اشتراکات عمیق و قدمت تمدنی ایران در این مناطق توسعه دهد.

"موقعیت جغرافیایی آسیای میانه و همسایگی و هم مرز بودن سه کشور ترکیه، ایران، روسیه و چین با دارا بودن منابع عظیم انرژی باعث ترغیب آمریکا و اروپا جهت کسب موقعیت سیاسی و نفوذ به دایره امنیتی روسیه و دسترسی به منابع انرژی این کشورها شده است ولی موقعیت ایران کاملاً منحصر به فرد می باشد و آن هم دسترسی ایران به دریای خزر و خلیج فارس می باشد. به همین دلیل توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای آسیای مرکزی از همان روزهای آغازین استقلال این کشورها در دستور کار مسئولین ایران قرار گرفت و تقریباً، ایران جزو سه کشور اولی بود که استقلال این کشورها را به رسمیت شناخت و متعاقب آن، روابط دیپلماتیک خود را با آنان پایه گذاری و سپس اقدام به تأسیس نمایندگی فرهنگی در چهار جمهوری از پنج جمهوری آسیای مرکزی نمود در این میان، ایران از امتیازات و ویژگی های خاصی در حوزه آسیای مرکزی برخوردار است" (ابراهیمی ترکمان ۱۳۸۰: ۹۰-).

لازم است به این نکته دقت شود که اگر به اختلافات و موضوعاتی که منجر به شعله ور شدن تنازعات اهمیت لازم داده نشود ممکن جایگاه ایران را در منطقه با چالش مواجه سازد. هم اکنون تاجیکستان با ازبکستان بر سر منابع عظیم آب که در تاجیکستان وجود دارد اختلاف دارد. این کشور قصد دارد با اجرای طرح چندین سد منابع آب را کنترل کند و به تعداد نیروگاههای برقی خود بیفزاید موضوعی که به شدت مورد گلایه ازبکستان میباشد و آنها انتظار دارند که ایران در موضوعات مورد اختلاف هم اندک جنگ داخلی در راستای تنش زدایی عمل کند.

پیوند های عمیق تاریخی و فرهنگی و تمدنی بین ایران و کشورهای آسیای میانه

سنگ بنای مستحکمی در روابط. ایران با این کشورها می باشد. عدم دسترسی این کشور ها به آب های آزاد به ویژه تاجیکستان و ازبکستان فرصت های استثنائی برای تقویت همکاری های دو جانبه و منطقه ای می باشد. "ایران از سویی دارای علائق ژئوپولیتیکی در منطقه است و از سوی دیگر، به دلیل برخورداری از مولفه ها و شاخص های مربوط به تاریخ، زبان و دین مشترک، عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی و دوستی با همسایگان، از توانایی بالقوه تاثیر گذاری در برخی از قومیت های منطقه برخوردار است . عناصر دین و زبان از مهمترین عناصر هویت یابی ملی در آسیای مرکزی به شمار می رود ." (محرر - ۱۳۸۹: ۱۳۵)

ایران به دلایلی همچون مشکلات اقتصادی و تحریم های بین المللی نتوانسته است همچون کشورهای ترکیه چین روسیه در بازارهای این کشورها نقش مهم و اثر گذار داشته باشد علاوه بر این که تبلیقات شدید وهابیان برای مردم اهل تسنن این مناطق به ویژه عربستان سعودی و امارات بر علیه مذهب تشیع و انقلاب اسلامی و ایران یه حساسیت و اهمیت روابط سیاسی می افزاید.

حاکمیت سالهای متوالی روسیه تحت نظام کمونیستی، وابستگی شدید اقتصادی و ناتوانی این کشورها را باعث گردیده است و هنوز هم این کشورها مرادوات بسیار پر حجمی با روسیه دارند بویژه که بسیاری از مردمان این مناطق هنوز به عنوان نیروی کار در روسیه مشغول به کار هستند. حساسیت روس ها به مواضع سیاسی کشورهای آسیای میانه و ورود آمریکا و غرب به این مناطق بعد از فروپاشی نگرانی هایی را در ذهن سیاستمداران روس ایجاد کرده است. از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که چینی ها درصدد تصاحب بازار های این مناطق هستند و دیپلماسی فرهنگی ترکیه در این کشور ها در خدمت اقتصاد این کشور می باشد. باتوجه به وجود چندین ملیون ترک تباردر منطقه قفقاز و آسیای میانه ساکن در کشورهای اذبایجان قرقیزستان ازبکستان ترکمنستان قزاقستان و تاتارستان روسیه دولت ترکیه دیپلماسی فرهنگی فعالی را پیش گرفته اس با نگاه اجمالی می توان دید که هم غرب هم روسیه و هم ترکیه، چین و ایران به دلایل

سیاسی و اقتصادی و فرهنگی حضور خود را در منطقه آسیای میانه در جهت منافع ملی خود می دانند .

" در راستای اهتمام فزاینده به قدرت نرم، با توجه به تحولات نوین نظام بین الملل و مزیت نسبی کشور های منطقه بویژه جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگ، اندیشه و تاثیر گذاری در حوزه های علمی، فرهنگی و تمدنی، شایسته است از ظرفیت های تاریخی، فرهنگی و تمدنی به عنوان بستری برای گسترش همکاری های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه منطقه ای بهره برداری شود". (قائد رحمتی - 1389: 32)

" ایران کنونی بخش کوچک و تجزیه شده است از ایران تاریخی و فرهنگی که دامنه و گستره آن بسیار وسیع تر از نقشه سیاسی این کشور بود . افغانستان کنونی، کشورهای منطقه ماوراءالنهر یا ورارود و خوارزم و نیز جمهوری های منطقه قفقاز با ایران معاصر پیوند عمیق تاریخی و فرهنگی دارند. مردم این مناطق علاوه بر نژاد و زبان از لحاظ جهان بینی و مذهب و آئین و اسطوره و نگرش های عرفانی و حتی دیدگاه های علمی نیز اشتراک و پیوند های ناگسستنی دیرپا دارند ". (مهجور - ۱۳۸۹: ۷۰)

هر کشوری بتواند از این عوامل تاریخی و فرهنگی بهره لازم را ببرد و در سیاست خارجی آن رانهادینه کند قطعاً قدرت عظیمی را که در درون فرهنگ و ارزشهای یک کشور نهفته است به نیروی شگرف همیشگی در دیپلماسی تبدیل کرده است. لذا شناخت این عوامل و استفاده درست از آن هنری بزرگ در سیاست میباشد.

در دنیای امروز بحث برقراری امنیت نرم در مباحث گفتمانهای فرهنگی میان ملت ها و استفاده از ظرفیت های فرهنگی-تمدنی کشورهایی با قدمت دیرینه، قطعاً می تواند ابزاری مهم در پیشبرد راهبردهای امنیت جویانه و منفعت طلبانه در عرصه سیاست خارجی این کشورها به شمار آید . (تیشه یار - ۱۳۸۹: ۷۹)

اشاره ای به جایگاه ژئوپلیتیک ایران در منطقه

متداول ترین تعریف از ایران توضیح ساده حیطه جغرافیایی ایران است که کشوری

است با یک میلیون و ششصد و چهل و هشت هزار کیلومتر مربع وسعت که در شمال آن دریای مازندران و جنوب آن خلیج فارس که با چندین کشور در شرق و غرب خود همسایه می باشد. در کنار این تعریف در دو حوزه فرهنگی و جغرافیایی نیز تعریف هایی از ایران وجود دارد و در تعریف جغرافیایی ایران یا فلات ایران مجموعه ای از کشورهاست که از شمال پاکستان تا افغانستان و بخشی از هند، چین و آسیای مرکزی و بخشی از ترکیه و آذربایجان و ارمنستان را شامل می شود. این فلات دارای ویژگی های جغرافیایی و آب و هوایی مشخص است که آنرا با بقیه مناطق جدا کرده است.

دومین تعبیر از ایران فرهنگی می باشد یعنی تعریف از منطقه ای است که آثار نفوذ فرهنگی ایران قویتر و شدیدتر بوده و امروزه نیز کم و بیش آثار آن مشهود است. طبق این تعریف بخشهایی از چین، هند، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان قسمتهایی از روسیه، ارمنستان، گرجستان، آذربایجان و بخشی از ترکیه جزو ایران فرهنگی است.

سیاست خارجی ایران در رابطه با این مناطق دارای بعد قوی فرهنگی است چرا که شاهد عناصری از تاریخ مشترک، ادبیات فارسی، کلمات فارسی، فرهنگ ایرانی و هستیم.

یک تعریف دیگر از ایران که تعریفی ایدئولوژیکی است معتقد است ایران به عنوان کشوری در قلب خاورمیانه دارای دو بال فرهنگی و ایدئولوژیکی است. بال فرهنگی آن تا غرب چین ادامه دارد و شامل تمام کشورهای می شود که در زیر مجموعه زبان فارسی قرار دارند و بال ایدئولوژیکی آن که در غرب آن شامل عراق، سوریه، لبنان و فلسطین می شود. این دیدگاه اعتقاد دارد ایران با این دو بال کشوری فرامنطقه ای است و رفتارهایش آثار فرامنطقه ای دارد این تحلیل به این باور است که اگر ایران بال شمال غربی خود را که شامل منطقه قفقاز و ترکیه و مناطقی از آسیا میانه می شود را فعال سازد قطعاً به کشوری بزرگ و تاثیرگذار در جهان تبدیل خواهد شد. طبق این تحلیل آسیای مرکزی از ایران تاثیر می پذیرد و دارای ویژگی هایی است که فضا را برای تحرک سیاست خارجی ایران فعال می سازد.

منطقه آسیای میانه که مردمان آن به فارسی در بخشهایی از ازبکستان و تمامی

تاجیکستان و افغانستان سخن میگویند و دارای فرهنگ و نمدهای هویتی مشترک میباشند فضای لازم را به ایران میدهد که بتواند با توجه به عضویت اکثر این کشورها که عضو پیمان شانگهای میباشند و ایران عضو ناظر حضور فعالتری در این منطقه داشته باشد. البته دیدگاه دیگری در خصوص ایران مطرح است و این اعتقاد را دارد که ایران دارای ویژگی هایی است که آنرا به کشوری منحصر به فرد در منطقه تبدیل کرده و به دلیل همین شرایط، امکان اتحاد یا همراهی با هیچیک از همسایگان را ندارد و مجبور است خود به دنبال مهیا سازی شرایط برای خویش باشد. این دیدگاه معتقد است ایرانیان به دلیل مذهب تشیع و زبان فارسی، مشکلاتی با همسایگانشان دارند. شرایط خاص ایران در بین مسلمانان که اکثریت دارای مذهب تسنن و عرب زبان هستند، سیاست خارجی ایران را وادار می کند تا همواره به دنبال آن باشد که خود به تنهایی از پس مشکلات برآید. این دیدگاه معتقد است شاید تنها منطقه ای که ایران کمترین تنش را با آن دارد آسیای مرکزی است که شرایط برای بهره برداری ایران مناسب است بر اساس این نظریه ایرانیان در جهان اسلام ممکن است مورد توجه باشند ولی هرگونه تحرک دیپلماسی ایران برای اتحاد و ایجاد مشترکات فرهنگی بر پایه اسلام از طرف عده ای از متعصبان عرب و جهان تسنن بواسطه شیعه بودن و زبان فارسی ایرانیان با مشکلاتی همراه می باشد ولی در منطقه آسیای میانه بویژه تاجیکستان تمدن مشترک و زبان فارسی و عدم گسترش رادیکالیسم اسلامی میت وان به دستاوردهای بزرگی رسید.

بدر نظر گرفتن عوامل فوق ایران و تاجیکستان میتوانند با تکیه بر زبان مشترک فارسی و توسعه ادبیات شعرو هنرو استفاده از نوابغی تاریخی همچون رودکی و فردوسی که باعث علائق مشترک فرهنگی میشوند روابط خارجی خود را بر بنیانی استوار بنا نهد. اشتراکات عمیق و کهن تمدن فارسی همچون نوروز و برقراری کنفرانسها و سمینارهای فرهنگی همچنین تبادل هیاتهای علمی و پژوهشی قطعاً به تعمیق روابط سیاسی منجر خواهد شد که در این میان دانشگاههای دو کشور با پشتوانه رسانه ها نقش عمده را به عهده خواهند داشت.

مبانی قانونی راهنمای سیاست خارجی ایران در رابطه با تاجیکستان

برنامه چهارم و پنجم توسعه و اصولی از قانون اساسی و سایر مصوبات مجلس شورای اسلامی راهنمای خوبی برای مجریان و سیاستگذاران خارجی برای بهره مندی از عنصر فرهنگ در اجرای سیاست خارجی است. اصول قانون اساسی از جمله اصل ۳۳ در مورد همکاری با کشورهای مسلمان مهم ترین راهنما می باشد. همچنین مواد ۴۲ و ۴۳ برنامه های توسعه که به تقویت و تعامل فرهنگی، حقوقی و سیاسی - اقتصادی با جهان به ویژه حوزه تمدن اسلامی ایران توجه دارد. در این ماده بر ترویج خط و زبان فارسی در بین ایرانیان و حمایت از حقوق آنها تاکید شده است. اگر ما ایران فرهنگی را در نظر داشته باشیم در این صورت می توان تاجیکستان و افغانستان را نیز بخشی از حوزه ایرانی دانست و برای توسعه روابط با آنها از مواد برنامه پنجم سود برد. توجه دقیق به سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور که برای توسعه فرهنگی و توسعه سیاستهای فرهنگی تاکید دارد نیز راهنمای خوبی برای سیاستگذاران در حوزه سیاست خارجی است.

بررسی روابط تاجیکستان با دیگر کشورها

اکنون با توضیح و مقایسه روابط تاجیکستان با چند کشور میتوان به این اصل مهم رسید که تنها روابط با ایران مبنا و اساس آن فرهنگ میباشد و رابطه با دیگر کشورها مبانی ان امنیتی و سیاسی میباشد

الف- افغانستان

افغانستان که هم اکنون بزرگترین تولید کننده مواد مخدر جهان می باشد برای همه همسایگان خود از جمله تاجیکستان مشکلات امنیتی و نگرانی عمیقی را ایجاد کرده است. افغانستان نه تنها بک بازار با دسترسی آسان میباشد بلکه بواسطه موقعیت جغرافیایی نقطه تراتزیت خوب برای حمل کالا از تاجیکستان میباشد. موضوع دیگر ناخوشنودی رژیم لائیگ تاجیکستان از خشونت گرایان رادیکال طالبان میباشد و قدرت

یافتن آنان را خطر امنیتی بزرگی برای خود میدانند

"در درازای تاریخ، پشتون ها همواره با تاجیک ها و پارس ها دوشادوش هم زیسته و با هم پیوندهای گسست ناپذیری داشته اند. برای نمونه، بزرگترین شهر پشتون نشین - پیشاور در گذشته به نام پورشاپور یاد می شده است که یکی از شهرهای بزرگ کابلستان بوده و در گذشته دست کم بخش بزرگی از باشندگان آن را تاجیک ها تشکیل می داده اند. همین گونه، شهرهای قندهار و جلال آباد و گردیز و... بنابراین، هیچ دلیلی برای این که پشتون های افغانستان، نگران توسعه مناسبات افغانستان با جمهوری تاجیکستان باشند، موجود نیست. از سوی دیگر، دنیا به سوی جهانی شدن و منطقه بی شدن پیش می رود و هیچ انسان خرد ورزی نمی تواند مخالف توسعه روابط با کشورهای همسایه باشد." (رمضانی - ۱۳۹۰)

حضور فزاینده دانشجویان افغانی در دانشگاههای تاجیکستان و برگزاری سمینارهای ادبی و فرهنگی مشترک در دو کشور و قراردادهای امضاء شده در خصوص گسترش تبادلات فرهنگی نشان از اراده دوکشور برای بسط روابط سیاسی دارد. گرچه قاچاق مواد مخدر از افغانستان و گرایشهای تند رادیکالی طالبان و امنیت افغانستان در قبال خروج نیروهای امریکایی از نگرانی های عمده تاجیک ها می باشد.

علی رغم مشترکات فرهنگی روابط دو کشور در حال حاضر فرهنگی نمی باشد و محور آن امنیتی و نگرانی از خروج امریکا از منطقه برای تاجیکستان میباشد که به همین دلیل دولت تاجیک تصمیم به ابقای نیروهای روسی در مرز افغانستان گرفت و قرار داد نظامی خود را با روسیه تمدید کرد.

"از آنجا که افغانستان با چین روابط گسترده اقتصادی دارد و ورود کالا از چین به افغانستان میبایست از خاک تاجیکستان انجام گیرد روابط تاجیکستان و افغانستان بر اهمیت آن افزوده می شود. هم اکنون بر روی دریای پنج و دریای و خش در نواحی خطلان-درواز-پامیر=کولاب-بدخشان پلهای متعدد جهت ترانزیت کالا از چین به افغانستان ایجاد گردیده که بسیار برای افغانستان اهمیت دارد" (شورای نویسندگان روسیه - ۲۰۱۲: ۵)

چین

استقلال کشور های آسیای میانه بازار بزرگ و موقعیت استثنایی نصیب چین کرد. این کشور را از مزیت کمتر بودن هزینه حمل و نقل بواسطه هم مرز بودن با کشورهای آسیای میانه نسبت به اروپاییان در بازار رقابت از برخوردار است. حضور فعال شرکت های چینی در آسیای میانه باعث آن شد که سیاست خارجی این کشورها یکی از اساسی ترین محورهای فعالیت خود را توسعه و بسط روابط اقتصادی با چین قرار دهند. در این میان تاجیکستان به علت داشتن مرز ۵۰۰ کیلومتری با چین روابط گسترده ای را ایجاد کرده است. که در حال حاضر اولین رتبه و بالاترین حجم تجارت را در میان کشورهای دیگر با تاجیکستان چین میباشد.

سفیر تاجیکستان در پکن با اشاره به ظرفیت های موجود در توسعه روابط دوجانبه از جمله افزایش میزان مبادلات تجاری، تأکید کرد: " دو کشور ضمن تهیه برنامه همکاری برای سال های ۲۰۱۵-۲۰۱۹، تقویت روابط راهبردی و استراتژیک در عرصه های مختلف را در محور این برنامه قرار خواهند داد. این دیپلمات تاجیک بازدید «امامعلی رحمان» رئیس جمهوری تاجیکستان از چین را از رویدادهای مهم سال ۲۰۱۳ در روابط دوجانبه این دو کشور دانسته و امضای بیانیه مشترک میان پکن و دوشنبه در مورد توسعه مشارکت استراتژیک را نقطه عطفی در مناسبات دوستانه طرفین عنوان کرده است. عالم اف با اعلام این که در طول شش سال گذشته سرمایه گذاری انباشته چین در اقتصاد تاجیکستان به حدود ۵۰۰ میلیون دلار رسیده است، تأکید کرد: چین در سال ۲۰۱۳، تنها برای تجهیز و تکمیل کارخانه استخراج معدن طلا موسوم به «زرافشان» در شمال تاجیکستان، ۶۰ میلیون دلار سرمایه گذاری داشته است." (فارس نیوز ۹ بهمن ۱۳۹۲)

این دو کشور به علت تفاوت های عمیق فرهنگی بالاخص مذهبی وعدم گرایش تاجیکها به بودایسیم و یکسان نبودن نژاد دارای اشتراکات و علقه های فرهنگی نمیشوند ولی به جهت اهمیت روز افزون جایگاه چین در اقتصاد تاجیکستان گرایش جوانان تاجیک به یاد گیری زبان چینی بیشتر شده است. کاملاً مشهود است که روابط

دو کشور بر اساس روابط اقتصادی میباید و تعاملات فرهنگی در روابط دو کشور نکته برجسته ای که بر اساس اشتراکات تاریخی باشد ان چنان مشهود نمیشد.

روسیه

حضور فعال روسیه در جنگ داخلی تاجیکستان و دفاع از دولتی که در مقابل اسلام گرایان رادیکال میجنگید باعث ان شد که دولت تاجیکستان اهمیت خاص به روابط خود بعد از پایان جنگ به روسیه بدهد. "حضور هزاران کارگر تاجیکی در روسیه که درآمد آنان و پولی که به کشور تاجیکستان جهت امرار معاش خانواده خود ارسال میکنند از تولید ناخالص کشور تاجیکستان بیشتر میباشد و این موضوع و همچنین قاچاق مواد مخدر از افغانستان باعث ان شد که تاجیکستان موافقت خود را با تاسیس پایگاه نظامی روسیه در خاک خود اعلام دارد." (شورای نویسندگان—۲۰۱۱: ۱۷)

"مجلس عوام تاجیکستان تصویب سه معامله و طولانی مدت و تمدید اجاره نامه پایگاه نظامی روسیه را تا سال ۲۰۲۲ . تصویب کرد این قرارداد در حال حاضر باید توسط مجلس سنا تایید شود ولی به امضا امامعلی رحمان ، رئیس جمهور . رسیده است.

تهدید تروریسم و قاچاق مواد مخدر نگرانی مشترک دو کشور میباشد. رئیس مجلس علیای پارلمان تاجیکستان . گفت که کشورش علاقه مند به توسعه پایدار روسیه است و اعلام کرد " پیشرفت و ثبات روسیه به معنی ثبات در کل منطقه است. "

ER.RIA.RU_2013

ولی روسها به علت انقلابهای رنگی که توسط غرب در منطقه آسیای میانه رهبری می شود بسیار نگران از دست دادن موقعیت خود در این منطقه میباشند و بطور جدی کوشش دارند که تاجیکستان نیز به سرنوشت اذربایجان و گرجستان در قفقاز به دوستان نزدیک غرب تبدیل نشوند. به همین جهت سعی دارند که نیازهای اساسی این کشور همچون نفت و گاز و بقیه نیازهای تاجیکستان را رفع کنند

سرمایه گذاری روسیه در تاجیکستان به ۱,۲ میلیارد دلار بالغ میباشد. در سال ۲۰۱۱

شرکتهای روسی فعالیت خود را افزایش دادند و در سال ۲۰۱۲ پانزده سرمایه گذاری جدید را شروع کردند.-(provada :ru :30/10/2012)

روسها بعد از فروپاشی شوروی این یقین را کرده اند که جهان غرب در جهت یکه تازی و استیلاء کامل بر جهان هرگز موضوع تجزیه اتحاد شوروی را پایان فعالیت خود نمیداند لذا تضعیف روسیه یعنی کشوری با دارا بودن معادن عظیم گاز و نفت و ارتشی مدرن به سلاح هسته ای در دستور کار سیاست مداران غربی قرار دارد. در همین راستا جدا کردن گرجستان اذربایجان اکراین حتی تا اندازه ای ازبکستان از قلمرو سیاسی روسیه در قفقاز و آسیای میانه برای غرب یک موفقیت و برای روسها یک خطر امنیتی قلمداد میگردد.

ایران و روسیه با یکدیگر اشتراکات ژئوپلیتیک متعددی دارند که از جمله مهمترین آن فاصله گرفتن رژیمهای آسیای میانه از امریکا میباشد.

"ایرانیها هوشمندانه از اختلاف امریکا و غرب بهره لازم را می برند همانطور که روس ها از این که ایران روابط گستردهای با امریکا داشته باشند نگرانی خود را پنهان نمی کنند و در زمان حکومت پهلوی نیز غرب و شرق بر سر ایران با هم ماجراها داشته اند. روسها از این که یکی از همپیمانان او یعنی تاجیکستان روابط عمیق فرهنگی با ایران داشته باشند واکنشی نشان نمیدهند(شورای نویسندگان ۱۵-۲۰۱۳) گرچه روس ها بارها مانع از آن شدند که خط فارسی جایگزین زبان روسی نشود

ترکیه

ترکیه استقلال تاجیکستان را در سال ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت. روابط دیپلماتیک بین دو کشور در تاریخ ۲۹ ژانویه سال ۱۹۹۲ آغاز شد. ت سفارت ترکیه در شهر دوشنبه در ۴ اوت سال ۱۹۹۲ و سفارت تاجیکستان در انکارا در ۱۶ اکتبر سال ۱۹۹۵ افتتاح شد. "یک همکاری نزدیک بین دو کشور در سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل متحد ، سازمان همکاری اسلامی (OIC) و سازمان همکاری های اقتصادی (ECO) وجود دارد .

ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان // ۱۶۱

ترکیه به منظور تقویت روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تاجیکستان در شهر دوشنبه دفتر هماهنگی و آژانس همکاری و توسعه بین المللی (TIKA) ایجاد کرده است. " (MFA.GOV.TR_2011)

ترکیه و تاجیکستان دارای روابط عمیق فرهنگی نمی باشند بلکه ترک ها و تاجیک ها با هم اختلافات تاریخی نیز داشته اند ولی هم اکنون روابط دو کشور بیشتر بر اساس معیارهای سیاسی و اقتصادی میباشد سفیر تاجیکستان در ترکیه اشاره دارد: " میزان صادرات ترکیه با تاجیکستان ۲۵۰ میلیون دلار رسیده است که نسبت به سال گذشته ۱۷ درصد رشد داشته است ما با ترکیه علی رغم نداشتن اشتراکات عمیق فرهنگی در کشور خود با ترک زبانان به سادگی زندگی میکنیم " . (inf_ ۲۰۱۴)

ولی ترک ها مانند دیگر کشورهای آسیای میانه نتوانستند رقیب جدی برای چین در تاجیکستان باشند. تمایل ترکها به گسترش روابط خود با ازبکستان به علت ترک زبان بودن آنان تاجیک ها را در دیپلماسی خود با ترکیه محتاط کرده است. تعامل وسیع ترکیه با کشورهای ترک زبان واقیبت های ترک در دیگر کشورهای آسیای میانه در مواردی باعث مشکلاتی برای این کشور گردید. نمونه بارز آن مسئله قره باغ و حمایت ترکیه از اذریها و دفاع روسها از ارمنستان بود. تاجیکستان با توجه به مشکلاتی که با همسایه خود یعنی ازبکستان دارد از حضور ترکیه در کشور خود و ایجاد منافعی برای این کشور و جلب سرمایه گذاری سرمایه داران ترک استقبال می کند.

تاثیر فرهنگ بر روابط ایران و تاجیکستان

" بعد از سقوط شوروی باب جدیدی در خصوص تحقیق و پژوهش روابط ایران و تاجیکستان گشوده شد. گرچه در زمان هایی که تاجیکستان به عنوان یک جمهوری در داخل کشور شوروی بود بررسی ها تحت عنوان روابط شوروی و ایران تجزیه و تحلیل می گردید. در چند سال اخیر بسیاری از محققان و اساتید در مراکز علمی دو کشور کتاب ها، مقالات و گزارش های متعددی در این زمینه به رشته تحریر در آورده اند. این اندیشمندان آثار خود را جهت اطلاع افکار عمومی منتشر کرده اند که به جرات می

توان گفت که نتیجه همه تحقیقات و پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رابطه‌ی دو کشور کاملاً دارای مبنای علمی و فرهنگی می‌باشد" (رحمان: ۱۹۹۷ - ۵۴)

می‌توان گفت روابط ایران و تاجیکستان محصول عملکرد دو ساختار است: ساختار مادی و معنوی و در ساختار معنوی نقش فرهنگ برجسته‌تر می‌باشند. زبان فارسی، انگاره‌های مشترک، تاریخ مشترک، اسامی مشترک، در نامگذاری اماکن و اشخاص، زیرساختارهای فرهنگی مشترک، اساطیر مشترک، نمادهای مشترک، دشمنان فرهنگی و تاریخی مشترک و مواردی از این دست باعث می‌شود سیاستمداران ۲ کشور با درک روشنی به یکدیگر نگاه کنند و شناخت شفاف و روشنی به یکدیگر داشته باشند. در چنین شرایطی عنصر فرهنگ باعث می‌شود موضوعات سنتی دولت-محوری که در نظریه واقع‌گرایی و نواقح‌گرایی مهم هستند مثل امنیت ملی- ترس نسبی و حضور در معادلات امنیتی از اهمیت آن کاسته شود.

فرهنگ به شکل منافع غیر مادی همچنین عناصر ذهنی و هنجارها باعث می‌شود بعد مادی روابط دو کشور بشدت متأثر از عنصر فرهنگی باشد زیرا در واقع دستگاه دیپلماسی دو کشور با این اشتراکات نهایت ریزنی سیاسی را برای خود ایجاد خواهند کرد. شناخت مشترک، دشمن تاریخی مشترک و انگاره‌های مشترک می‌تواند سایر عناصر موثر در روابط سیاسی دو کشور را سمت و سو دهد.

اهمیت فرهنگ در مناسبات ایران و تاجیکستان

"در نظام بین الملل اولویت و مبنای اصلی روابط بازیگران در صحنه بین الملل را وبژگی و خصوصیت این روابط را بیان می‌کند. شناخت و تحلیل و چرایی این روابط موضوع اصلی پژوهشگران می‌باشد. ایران همچون دیگر کشورهای فعال در عرصه‌ی بین الملل کوشش می‌نماید رفتار خود را با دیگر کشورها بر اساس بنایی مستحکم به نظم درآورد". (میزایف - ۱۹۹۸)

ایران تلاش داشته و دارد که با توجه به پتانسیل فرهنگی خویش در نظام بین الملل

ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان // ۱۶۳

فعال شود. عنصر فرهنگ در تدوین و اجرای سیاست خارجی ایران نقش مهم نسبت به سایر عناصر دارد در این خصوص دلایلی چند را می توان بر شمرد

۱- انقلاب اسلامی در گفتار و عمل با ترویج فرهنگ اسلامی-ایرانی معتقد است که رسانه های عظیم خبری غرب در صدد برخورد و حذف فرهنگ اسلامی و ایرانی در دیگر کشورها هستند و چنانچه دستگاه دیپلماسی ایران در هرکشوری با یکی از این عوامل درانگیزه تقویت روابط باشد غرب ان را مغایر با منافع ملی خود می داند .

۲- دومین عامل مهم پتانسیل قوی فرهنگی ایران قبل از اسلام و پس از اسلام است. ایران قبل از اسلام در غرب چین، آسیای مرکزی به بخش هایی از روسیه، گرجستان، ارمنستان، آذربایجان، ترکیه و بخش هایی از بالکان، عراق، بخش هایی از عربستان و حاشیه جنوبی خلیج فارس، پاکستان و هند نفوذ داشته و نمادها و اسطوره های آن هنوز پابرجاست. ایران پس از اسلام نیز که توسط ایرانیان تقویت و کارآمد شد در این مناطق و مناطقی از خاورمیانه حضور و بروز داشته است. همین امر باعث شده ایران امروزه دو بال مهم فرهنگی و ایدئولوژیکی برای اجرای سیاست خارجی اش داشته باشد. در واقع تمدن ایرانی و ایدئولوژی اسلامی در کنار هم ادامه حیات دادند و اکنون پشتوانه عظیم سیاست خارجی ایران می باشند.

عامل موثر دیگر رویکرد های فرهنگی رهبران ایران به نظام بین الملل است. ایران همواره تلاش داشته است که از قدرت فرهنگی ایران برای تقابل با غرب و مطرح کردن ایران نهایت اقدام لازم را انجام دهد . ایران از نظر فرهنگی، دینی و ایدئولوژیکی توانایی طرح موضوعات مختلفی را در جهات گوناگون دارند. به عبارتی حرفهایی برای گفتن دارد به همین دلیل همواره در طول تاریخ معاصر خود از منبع فرهنگ برای اجرای سیاست خارجی سود برده است.

اکنون ایران در عراق و لبنان و بحرین سوریه مبنای روابط خارجی خود را اشتراکات مذهبی تشیع قرار می دهد و به عنوان تنها کشور شیعی با اکثریت مطلق با اتکا به مذهب دیپلماسی خود را بنا می کند ولی در مورد کشورهای آسیای میانه سخن از اشتراکات فرهنگی و زبانی و تاریخی می باشد .

ایران به شدت از نگرانی روسیه برای عدم نزدیکی غرب به آسیای میانه استفاده لازم را برده و سعی آن دارد که با روسها در آسیای میانه که منافع امنیتی دارند تنش ایجاد نکند. این منطقه حوزه ای است که روسها آن را حوزه امنیتی خود می دانند و به شدت حضور غرب بالاخص امریکا را خطر برای امنیت خود میدانند و در حالی که غرب نگاه نفوذ به قلمرو روسیه در نزدیکی با این کشورها در برنامه خود دارد. اکنون که آسیای میانه محل تنش بین قدرتهای بزرگ میباشد تنها دیپلماسی فرهنگی است که اجازه ادامه حضور ایران را در این مناطق را می دهد در غیر اینصورت ایران توان اقتصادی و نظامی قوی ندارد که تاثیر گذار بر معادلات این منطقه شود.

بررسی سیر تحولات روابط فرهنگی ایران و تاجیکستان

پس از پایان جنگ عراق و ایران و رهایی ایران از فشارهای جنگ و به ویژه پس از فروپاشی شوروی نگاه فرهنگی در سیاست خارجی ایران جلوه بیشتری یافت و بیشتر متوجه آسیای مرکزی شد. گام نخست در اجرای سیاست خارجی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی پس از سقوط شوروی در مقطع ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی برداشته شد. این گام دارای رویکرد فرهنگی اقتصادی بود یعنی تلاش می کرد از پتانسیل های فرهنگی ایران در منطقه سود ببرد و فضای اقتصادی را بهبود بخشد تا از آن نتایج سیاسی - امنیتی نیز به دست آورد (ابراهیمی ترکمان - ۱۳۸۰: ۳۸)

در بین کشورهای آسیا میانه، نگاه سیاستمداران ایران در این حوزه با رویکرد فرهنگی بویژه در مورد تاجیکستان عملی شد. "آسیای مرکزی می تواند مطمئن باشد که نیروهای خارجی تلاش نخواهند کرد که انقلابی را در این مناطق به نام اسلام ایجاد کنند. ایران به عنوان قدرت اول اسلامی در منطقه ی آسیای میانه هیچ گاه به دنبال ماجراجویی در این منطقه نبوده است و روسها به عنوان نیروی استیلاگر در آسیای میانه حساسیت خود را در خصوص اسلام گرا نشان داده اند و در جنگ داخلی تاجیکستان نشان داده شد که آنها اجازه موفقیت به اسلام گرایان نخواهند داد." (Ghoncheh Tazmini -

ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان // ۱۶۵

هر گونه حرکت جانبداری ایران از گروه‌های درگیر در جنگ داخلی قطعاً نشان از آن داشت که ایرانیها در این نزاع به منافع خود مینگرند و کشته شدن مردم تاجیک برای آنان اهمیتی ندارد. لذا ایران با هوشیاری و دقت دیپلماتیک در جهت خاموش کردن جنگ داخلی تلاش کرد و خود را از هرگونه اتهامی دور نگه داشت که آثار آن در ذهن مردم تاجیک نقش بسته است.

"از بدو تشکیل کشور تاجیکستان و به راه افتادن جنگ خونین در تاجیکستان نگرانی عمیقی وجود داشت که ایران وارد ماجرا شود و در جهت حمایت از اسلامگرایان تند رو اقداماتی را انجام دهد شاید از رژیم انقلابی و نوظهور ایران انتظاری هم میرفت ولی همواره شاهد بوده ایم که تمدن و افتخارات کهن و فرهنگ گرانبهای فارسی و جانفشانیهای خونین اجداد دو کشور رکناز همدیگر در گذشته مانع از آن شد که دولت تازه تاسیس تاجیکستان نه تنها مورد بی توجهی ایران قرار نگیرد بلکه مورد احترام هم قرار گیرد- (عمر اف ۲۰۱۰-۲۵)

"روابط جدی ایران و تاجیکستان از اوایل دهه ۱۹۹۰ شروع شد. ایران اولین کشوری بود که در تاجیکستان اقدام به ایجاد سفارت کرد و تاجیکستان هم نام یک خیابان که نام روسی داشت را در دوشنبه به تهران تغییر داد. نصب مجسمه فردوسی در دوشنبه، امضای توافق نامه های متعدد و تبادل هیئت های بلند پایه و تلاش های تهران برای جلوگیری از شکل گیری و گسترش جنگ های داخلی در این کشور از جمله اقدامات اولیه ایران برای نزدیکی با تاجیکستان بود." (CELESTE WALLANDER 2002: 247)

ازبکستان با دخالت در دفاع از گروه‌های مخالف حکومت مرکزی در جنگ داخلی تاجیکستان راهی راییمود که آثار مخرب آن با وجود گذشت سالها همچنان در روابط دو کشور دیده میشود.

"یکی از مهم ترین اقدامات ایران در مقطع استقلال و تشکیل دولت ملت تاجیکستان تلاش برای سد نفوذ ازبکستان در این کشور بود. علاوه بر این ایران در این

مقطع کوشید از ابزار اقتصادی نیز کمک بگیرد و با تاسییس خطوط ریلی خود در شرق کشور، راه آهن خود را به آسیای میانه و خلیج فارس اتصال داد. " (کتاب سبز تاجیکستان، ۱۳۸۲)

سفرهای متعدد روسای جمهوری ایران و تاجیکستان در سالهای ۷۲ تا ۷۴ و امضای ۱۲ سند همکاری در زمینه های گوناگون در حوزه های صنعتی، حمل و نقل، پست و مخابرات و سد سازی بانک و کشاورزی نشان می دهد که در این مقطع ایران تلاش می کند که روابط دو کشور را نزدیکتر کند. راه اندازی سفارت تاجیکستان در ۱۹۹۵ در تهران و امضای ۸ توافقنامه که در سال که ۱۹۹۶ با سفر معاون اول رئیس جمهوری ایران تعداد آنها به ۱۹ توافق نامه رسید گام دیگری بود که در دوره هاشمی رفسنجانی برداشته شد. (میزگرد مشترک ایران و تاجیکستان، پاییز ۱۳۸۷).

تحركات ایران در این دوره با استقبال خوبی از سوی مقام های تاجیکی مواجه شد چرا که آنها از یکسو نگران اعمال نفوذ ازبکستان و نیز گسترش نفوذ طالبان و طالبانسم در کشور بودند که ایران نسبت به هر دو موضع روشنی داشت. تاجیک ها بسیار نگران نقش ایران در جنگ داخلی این کشور بودند و زمانی که پی بردند استراتژی ایران عدم کمک به عبد... نوری رهبر مخالفان است و برعکس کمک به استقرار صلح و ثبات در این کشور می باشد بر نقش میانجیگری ایران تاکید کرده و آنرا به عنوان یک برگ برنده حفظ کردند. علی اکبر ولایتی وزیر خارجه وقت ایران صلح را تنها راه حل می دانست و ایران می کوشید این دولت تازه به استقلال رسیده را به ثبات برساند. همزمان با تحولات سیاسی در سالهای اولیه استقلال تاجیکستان ایران تلاش کرد از پتانسیل های فرهنگی هم سود ببرد که از مهم ترین آنها برگزاری نمایشگاه کتاب، برگزاری کنگره های علمی و افتتاح چندین کتاب فروشی در دوشنبه بود. تاسیس چندین کتاب خانه در کشور تاجیکستان و در شهرهای دوشنبه، کولاب، خاروغ، کانما بادام، پنجکت و اورا تپه و تاسیس کرسی های ایران در دانشگاه های این کشور در همین دوره روی داد.

در دوره خاتمی که رویکرد ایران در سیاست خارجی رویکردی فرهنگی، سیاسی و

ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان // ۱۶۷

مبتنی بر تنش زدایی بود تاکید بر علقه های فرهنگی ایران و آسیای مرکزی بیشتر شد رویکرد خاتمی به ملت ها و تاکید بر تعامل فرهنگی و تمدنی با دیگر ملت ها به نفع روابط ایران و تاجیکستان بود. در این دوره نگاه مثبت غرب به تحرکات فرهنگی ایران در تاجیکستان و وجود ثبات در داخل تاجیکستان کمک کردند که روابط دو کشور فراز و نشیب نداشته باشد. در این دوره تلاش ایران برای نشان دادن چهره ای مسالمت آمیز از انقلاب و دور کردن تاجیک ها از نگرانی های ایدئولوژیکی شان متمرکز گردید. در آن سالها دولت تلاش داشت با ابزار دیپلماسی فرهنگی و شعارهای جامعه مدنی، گفتگوی تمدن ها و نگاه فرا دولتی به سیاست خارجی رادر نهادهای غیر رسمی را توسعه دهد.

در این مقطع از جمله موافقت نامه های مهم می توان به توافق نامه وزارت علوم ایران و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران با وزارت معارف تاجیکستان، صدا و سیمای ایران باتلوویزیون ملی تاجیکستان، ایجاد ارتباط انتشارات سروش با بنیاد فرهنگ تاجیکستان، کتابخانه ملی ایران با دانشکده هنر تاجیکستان از آثار تحول در سیاست خارجی با رویکرد فرهنگی اشاره نمود. (گزارش رایزنی فرهنگی ایران در تاجیکستان، ۱۳۸۵). علاوه براین در این مقطع چندین سمینار به ابتکار بخش خصوصی و فرهنگیان کشور برگزار شد که از جمله هزاره شاهنامه فردوسی، مراسم ۶۸۰ سالگی میر سید علی همدانی و جشن تمدن سامانی به مناسبت جشن ۱۱۰۰ سالگی دولت سامانی بود. این همایش ها نشانگر نقش عناصر غیر دولتی در گسترش سیاست خارجی است. (همان، ۱۳۸۵).

در مقطع ریاست جمهوری احمدی نژاد هم عنصر فرهنگ همچنان نقش آفرین بوده است گر چه گفتمان هر دور متفاوت است. در این مقطع فرهنگ در خدمت نگرش امنیتی و ضد غربی در آسیای مرکزی است یعنی ایران می کوشد با کمک فرهنگ به تقابل با اسرائیل و آمریکا برود. مخالفت با استراتژی آمریکا و جهان غرب در آسیای مرکزی، تلاشی برای عملیاتی کردن پیمان شانگهای، اجرای استراتژی نگاه به شرق بر گسترش روابط با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقا میتوان نام برد. سفر احمدی نژاد به

تاجیکستان و تلاش او برای برگزاری نشست کشورهای فارس زبان و ابراز این نظر که ما باید تمام موانع بر سر راه سه کشور را برداریم. تلاش در جهت رویکرد ایران به تقویت مناسبات بین دو کشور بوده است. در این دوره آنچه راهنمای سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی است تقابل با آمریکا و اسرائیل است و طرح اتحاد آریایی نیز با رویکردی فرهنگی همراه می‌باشد. تمام تلاش‌های اقتصادی در این مقطع نیز یا در ادامه راه گذاشته شده قبلی است و یا در قالب پیمان‌های شانگهای که پیمانی امنیتی است تعریف می‌شود. در این مقطع شاهد فعال شدن نهادهای دولتی در این حوزه مثل کمیته امداد، صدا و سیما و وزارت ارشاد هستیم. در حوزه فرهنگی نیز شاهد تداوم راه قبلی هستیم که می‌کوشد مبنای شرایط فرهنگی و زبانی به توسعه روابط دو طرف بپردازد. احمدی نژاد در سخنرانی خود در دوشنبه به صراحت روابط با تاجیکستان را از اولویتهای سیاست خارجی ایرانی دانست.

به موازات روابط تاجیکستان با ایران آمریکا نارضایتی خود را اعلام می‌کرد رابرت بلیک معاون وقت وزارت خارجه آمریکا در آسیای مرکزی در ۲۷ مارس ۲۰۱۲ طی نطقی در تاجیکستان خواهان آن شد که در راستای تحریم جهانی علیه ایران تاجیکستان روابط تجاری خود را با ایران قطع کنند و گفت: ما همه کشورهای جهان را ترغیب می‌کنیم به قطع رابطه با ایران و کشورهای منطقه باید به این نگرانی ما پاسخ دهند. (Robert Belic 2012)

ولی دولت تاجیکستان نارضایتی خود را از اعلام تحریمها بر علیه ایران ابراز می‌دارد و آن را مانعی برای تجارت خود با ایران میدانند.

فرهنگ راهنمای سیاست خارجی ایران

سیاست خارجی ایران متأثر از عنصر فرهنگ و دیپلماسی فرهنگی بوده و در روابط با آسیای مرکزی بیش از هر چیز از این عامل سود برده است. گاه این امر در قالب رویکرد واقع‌گرا و منافع‌محور و با نگاه به فرهنگ به عنوان ابزار بوده و گاه در قالب شکل‌دهی به انگاره‌های ذهنی و اولویت‌دادن به آنها عمل شده است گرچه وجه

ارتباطات میان فرهنگی در روابط ایران و تاجیکستان // ۱۶۹

غالب در سیاست خارجی ایران همچنان مبتنی بر واقع گرایی و نو واقع گرایی است. عبارت دیگر آنچه در ۳۰ سال گذشته و به ویژه از اوایل دهه ۹۰ میلادی به بعد در سیاست خارجی ایران شاهد غلبه گفتمان های واقع گرایی و نو واقع گرایی بوده است که در این میان رویکرد فرهنگی در سه دولت هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی نژاد باعث به وجود آمدن رگه هایی از نظریه سازه انگاری در روابط ایران و تاجیکستان هستیم.

"کسانی که در علم روابط بین الملل دارای آگاهی کافی میباشند و از نحوه ابزارهای دیپلماتیک در جهان مطلع میباشند به سادگی درک این موضوع را دارند که فاصله انداختن بین ایران و تاجیکستان امکان پذیر نمیباشد و از هر اختلاف و افتراقی سخن بگوییم فرهنگ و تاریخ و تمدن زبان مشترک مانع از گسست دو ملت میشود." (شیباکف - داده خرداد ۲۰۰۸: ۱۴۲)

اولین نمودهای رگه سازه انگاری در سیاست خارجی در دوره هاشمی رفسنجانی مشهود است. هاشمی رفسنجانی سیاست خارجی منطقه گرا را تبیین و اجرایی کرد و تلاش نمود که با کمک گرفتن از فرهنگ ایرانی و نمودهای آن در آسیای مرکزی پتانسیل های اقتصادی را فعال کرده و جایگاه از دست رفته ایران را که به دلیل سیطره ۷۰ سال حضور کمونیسم اتفاق افتاده بود به دست آورد.

در دوره خاتمی رویکرد سازه انگارانه در دو سطح دولتی به شکل رویکرد نزدیکی به همسایگان براساس پتانسیل های نزدیکی مثل فرهنگ، دین، تمدن و همسایگی و سطح غیر دولتی که به شکل برگزاری نمایشگاه های مختلف، ساخت فیلم و سریال، همایش های غیر دولتی و نشست نخبگان و شعرا مطرح شد. (Herzhg, 2004: 56)

در این مقطع ایران کوشید از همپوشانی های فرهنگی در جهت کاهش فشارهای روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی سود ببرد از فرهنگ و روابط فرهنگی برای ثبات و صلح در منطقه، تثبیت موقعیت تاجیکستان و کاهش مشکلات سیاست خارجی کمک بگیرد. در دوره خاتمی گرچه وجه غالب بازهم نو واقع گرایی است اما رویکرد سازه

انگاری به شکل مباحث تمدنی و گفتگوی تمدن ها و موضوع جامعه مدنی وجود دارد. ما شاهد نقش متقابل ساختار کارگزار هستیم. در اینجا کارگزار به شکل جامعه مدنی داخلی کمک کننده به دولت در اجرای سیاست خارجی و فرهنگی عمل می کند و مباحث گفتگوی تمدن ها نیز نقش ساختاری در سیاست خارجی پیدا می کند. در این مقطع ایران از قرابت های فرهنگی و تمدنی با تاجیکستان سود برد تا به تبیین و اجرای سیاست خارجی در حوزه های سیاسی، اقتصادی بپردازد. (موسوی - ۱۳۸۲: ۱۸)

در دوره احمدی نژاد نیز وجه غالب در سیاست خارجی ایران نو واقع گرایی است و راهنمای سیاست خارجی مسایل امنیتی و سیاسی و تقابل با آمریکا و اسرائیل در آسیای مرکزی است اما با این حال وجود سازه انگاری در رویکرد سیاست خارجی ایران مشهود است و بحث اتحاد آریایی با دیدگاه کاهش نفوذ ترکیه و اسلام ترکیه ای اسلام آمریکایی و اسلام طالبانی و اسلام عربستانی مطرح می شود. (محمودی، ۱۳۸۸)

در این دوره توجه به نهادها و اسطوره ها در عید باستانی نوروز بسیار قابل توجه بود و دعوت از مقامات ارشد سه کشور فارس زبان برای سفر به ایران به مناسبت حلول سال نودو تلاش برای ایجاد اتحاد آریایی و فارسی زبانان در کنار نگرش های امنیتی و حضور در پیمان شانگهای و تعارض های شدید با آمریکا قابل درک است. در واقع رویکرد مهم این دوره تلاش برای استفاده از فرهنگ برای دور کردن دو کشور افغانستان و تاجیکستان از آمریکا و غرب و نیز تلاش برای اتحاد سه کشور به منظور سد نفوذ ترکیه، اسرائیل و آمریکا و روسیه و یا حداقل فعالیت دیپلماتیک در برابر نفوذ این چند کشور در آینده است.

نتیجه گیری

این مقاله کوششی بود برای تبیین رابطه فرهنگ و سیاست خارجی و تلاش کرد نشان دهد فرهنگ چگونه به شکل گیری، اجرا و جهت دهی در سیاست خارجی تاثیر دارد و چگونه بر ذهنیت مجریان سیاست خارجی موثر است. در این قالب نگاه ایران به

مناسبات با تاجیکستان به عنوان مطالعه موردی مورد مطالعه قرار گرفت.

در این مقاله تلاشی شد برای نشان دادن رابطه سیاست خارجی ایران و تاجیکستان با کمک فرهنگ و نشان دادیم که چگونه می توان با کمک نظریه سازه انگاری به تبیین این رابطه پرداخت. در این راستا نویسنده تلاش کرد نشان دهد که ما با دو سطح از کارگزار در نظام بین الملل مواجه هستیم که یکی دولتها و دیگری بازیگران غیر دولتی هستند. ایران به عنوان یک کارگزار کوشید برای دستیابی به اهداف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اش در آسیای مرکزی از عنصر فرهنگ به شکل دولتی و غیر دولتی کمک بگیرد.

از سوی دیگر مشاهده کردیم که فرهنگ ایرانی قبل از اسلام در حوزه تمدنی ایران نقش مهمی در نگرش سیاستمداران و سیاستگذاران سیاست خارجی داشته است و در دوران هر سه رئیس جمهور شاهد مطرح شدن مدلهای فرهنگی برای نزدیکی دو کشور هستیم. در دوره هاشمی رفسنجانی و طبق مدل اول صلح سازی و نقش میانجی گری و ارایه چهره مثبت از ایران اسلامی در آسیای مرکزی هدف بود. در دوره دوم نقش تمدن ایرانی و کمک گرفتن از عناصر فرهنگی غیر دولتی اهمیت دارد و در دوره سوم ارایه طرح اتحاد آریایی برای مقابله با اتحاد ملی منطقه ای حول محور زبان فارسی مهم است. می توان به این نکته اهمیت داد که چگونه فرهنگ در اجرای سیاست خارجی تاثیر دارد و چگونه خود به عنصر سیاست خارجی تبدیل می شود و چگونه اجرای سیاست خارجی آنرا متاثر می سازد و در بخش دیگری از این نوشتار شاهد بودیم که چگونه فرهنگ از سوی کشور تاجیکستان به عنوان بنیانی برای تدوین و اجرای سیاست خارجی استفاده می شود و اکثر قراردادهای و موافقت نامه ها و نشست ها و گفتگوها پیرامون مسایل فرهنگی است. در مقاله اشاره شد که نقش بازیگران غیر حکومتی مثل انجمن های ادبی - هنری، احزاب و گروه های مدنی کشور تاجیکستان کمک کرد که ایران بتواند سیاست خارجی اش را راحت تر و با تنش کمتری به اجرا بگذارد که با استقبال خوبی از سوی اندیشمندان تاجیک مواجه شود. رابطه ایران و تاجیکستان تابعی از

رفتارهای دولتها براساس اصول سنتی واقع گرایی و نو واقع گرایی و نیز عوامل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی است. علاوه براین روابط دو کشور تابعی از عوامل غیر دولتی نیز هست و ما شاهد نقش مهم نهادها و گروههای فرهنگی دو کشور در توسعه روابط هستیم. این امر نشان می دهد که نظریه سازه انگاری به خوبی در تبیین رفتارهای دو کشور نسبت به یکدیگر کارایی دارد.



منابع:

- ابراهیمی ترکمان، ابوذر (۱۳۸۰) «نقش فرهنگ در توسعه روابط جمهوری اسلامی با کشورهای آسیای مرکزی» (فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶ زمستان)
- ابراهیمی ترکمان، ابوذر (۱۳۸۵)، ماهنامه ایراس، شماره ۱۴.
- قاعد رحمتی، صفر. (۱۳۸۹) چکیده مقالات همایش ملی رویکرد ایرانی به مطالعات منطقه-تحولات آینده جهانی و لزوم باز تعریف منطقه
- هادیان، ناصر. (۱۳۸۲) «سازه انگاری از روابط بین الملل تا سیاست خارجه»، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم، شماره ۴، زمستان
- لیتر، آندرونیک. (۱۳۸۶) نو واقعگرایی، مترجم علیرضا طیب، تهران دفتر مطالعات سیاسی،
- فلاحی، علی. (۱۳۸۰) سازندگی در سیاست خارجی، راهبرد، شماره ۲۱
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۴) روابط بین الملل نظریه ها و رویکرد ها، تهران: سمت .
- کولایی، الهه. (۱۳۸۴) بازی بزرگ جدیدی در آسیای مرکزی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.
- دهشیری، محمدرضا. (۱۳۸۹)، بایسته های سیاست منطقه ای ایران، ملاکها و معیار ها، همایش ملی رویکرد ایرانی به مطالعات منطقه ای.
- تیشه دار، ماندانا. (۱۳۸۹) ، بررسی ظرفیت های فرهنگی سیاست نگاه آسیایی ایران، همایش ملی رویکرد ایرانی به مطالعات منطقه ای
- رحمان رئیس جمهور، (۱۹۹۷)، تاجیکستان در راه آینده، مجموعه سخنرانی های رئیس جمهور تاجیکستان در رسانه ها و اخبار روسیه، مسکو
- رضانی، فرزاد. (۱۳۹۰)، مرکز بین المللی مطالعات صلح، دی ماه
- کتاب سبز تاجیکستان، (۱۳۸۲)، انتشارات مرکز مطالعات سیاسی وزارت خارجه
- شریعتی‌نیا. محسن (۱۳۸۳)، "چشم انداز محیط امنیتی آسیا"

- شیباکف داده خدای، (۲۰۰۸) مجله آسیای مرکزی، تاجیکستان ایران دستاوردها و برنامه آینده.
- کتاب روابط اقتصادی تاجیکستان و افغانستان، (۲۰۱۲) شورای عالی نویسندگان دانشگاه دولتی شهر بیشکک
- کتاب منافع روسیه در آسیای مرکزی (۲۰۱۳) شورای نویسندگان مطالعات بین الملل
- کتاب منافع روسیه در آسیای میانه (۲۰۱۳) شورای نویسندگان مطالعات بین الملل
- موسوی، سید رسول (۱۳۸۲) صلح تاجیکستان به روایت اسناد تهران، تهران: دفتر مطالعات وزارت خارجه.
- محمودی، مرتضی (۱۳۸۶) «آسیای مرکزی و رشد همکاری های چند جانبه ایران و تاجیکستان» (فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دوره چهارم، شماره ۵۸ تابستان)
- مشیر زاده، حمیرا. (۱۳۸۴) "گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه انگاری" مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی شماره ۶۳
- مرکز بین المللی مطالعات صلح-۱۳۹۲ دی ماه IPSC
- محقر، احمد. (۱۳۸۹) ژئوکالچر سازی منطقه ای برای همگرایی در آسیای مرکزی دومین همایش بازنگری روابط ایران با کشورهای آسیای مرکز
- مهجور، فیروز. (۱۳۸۹)، منطقه ی خراسان مناطق فرهنگی از نگاه ایران، همایش ملی رویکرد ایرانی به مطالعات منطقه ای.
- مجله علمی (۲۰۱۰) تاجیکستان و جهان امروز-عمر اف شماره ۲۵
- میرزا، یف، (۱۹۹۸)، تاجیکستان و ایران شاهراه همکاری ها، دوشنبه

alandar-Celeste-A(2002)-lost and found : Gorbachev's new thinking, center for strategic and international studies and Massachusetts institutes of technology. The Washington Quarterly

Herzig Edmund (2004) : Regionalism, Iran and Central Asia-
International affairs, vol80 no 3 may.

Stefano Guzzini , and Leander. Anna (2006)," Alexander Wendt
and his critics, Constructivism and International Relations",
Routledge.p172

Douginas- Martin . A jounetai into constructvisim – Nov 1998
P716

M . Thompson R. Ellis and A. Vildarski cultural theory
(Boulder:westview. 1990) p. 1-5

Christopher Layan, (1993), “the Unipolar Illusion: Why New Great
Power Win Rise”, International Security, Vol. 17, No 2

Tazmini – Ghoncheh – The Islamic revival in Central Asia : A
potent force or a misconception? – Central Asian Survey (2001)

Celeste A Wallander (2002), "Lost and Found: Gorbachev’s ‘New
Thinking", Center for Strategic and International Studies and
theMassachusetts Institute of Technology, THE WASHINGTON

Edmund Herzig. (2004), "Regionalism, Iran and Central Asia",
International Affairs, Vol. 80

embasodor tajikestan, natinonal information agency of tajikestan
28 jan 2014 , INTERNATIONAL AFFIERS REVIEW°ELLITT
SCHOOL OF INTERNATIONAL AFFIARES

/OFC/WASHINGTON/UNIVERSITY 27/DEC/2012

http://en.ria.ru/military_news/20131007/183983310.html

<http://www.mfa.gov.tr/relations-between-turkey-and-tajikistan.en.mfa>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی